

کتاب فارسی

برای کلاسهای مقدماتی

بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه دلی، دلی - ۱۱۰۰۷

کتاب فارسی

برای کلاس‌های مقدماتی

بخش زبان و ادبیات فارسی،

دانشگاه دهلی، دهلی - ۱۱۰۰۰۷

نام کتاب : کتاب فارسی

(برای کلاسهای مقدماتی)

ناشر : بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه دهلی، دهلی

سال چاپ : ۲۰۰۰ م

بها : ۷۰ روپیه

چاپخانه : ISLAMIC WONDERS BUREAU:

NEW DELHI -1100 02.

©

حق چاپ برای بخش زبان و ادبیات فارسی،

دانشگاه دهلی محفوظ است.

ہیئت مشاورین :

پرفسور شریف حسین قاسمی ،

(رئیس بخش زبان و ادبیات فارسی)

پرفسور محمد اسلم خان

دکتر ادريس احمد

دکتر سیدہ بلقیس فاطمہ حسینی

دکتر نرگس جهان

دکتر چندر شیکر

دکتر ریحانہ خاتون

دکتر راجندر کمار

دکتر علیم اشرف خان

فهرست مطالب

	عرض حال
۷	۱- درس اوّل
۱۱	۲- درس دوّم
۱۵	۳- درس سوّم
۱۹	۴- درس چهارم
۲۱	۵- درس پنجم
۲۴	۶- درس ششم
۲۷	۷- درس هفتم
۳۰	۸- درس هشتم
۳۷	۹- درس نهم
۴۴	۱۰- درس دهم
۴۹	۱۱- درس یازدهم (فصلهای سال)

- ۵۶ ✓ ۱۲- درس دوازدهم (زمستان و تابستان) ✓
- ۶۰ ✓ ۱۳- درس سیزدهم (بهار) ✓
- ۶۵ ✓ ۱۴- درس چهاردهم (مازندران) ✓
- ۷۱ ✓ ۱۵- درس پانزدهم (چایکاری) ✓
- ۸۱ ✓ ۱۶- درس شانزدهم (روز نامه) ✓
- ۸۵ ✓ ۱۷- درس هفدهم (جشن نوروز) ✓
- ۹۰ ✓ ۱۸- درس هجدهم (فردوسی) ✓
- ۹۵ ۱۹- ترتیب الفبای فارسی

عرض حال

خدمتگزاران زبان و ادبیات فارسی در هند از دیر باز به کتابهای درسی فارسی برای کلاسهای مختلف نیازمبرم داشتند. بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دهلی این نیاز را دریافته، اولین گام را در این خصوص برداشته است.

به همین منظور، استادان فارسی دانشگاه دهلی، بعد از شور و مشورت مفصل، این کتاب را که نتیجه ی تجربیات سالیان دراز تدریس فارسی است، تهیه کرده اند و بسیار خوشنودند که کتاب حاضر را تحت عنوان کتاب فارسی برای کلاسهای مقدماتی به دوستداران فارسی که مشتاق فراگیری آن هستند تقدیم می کنند.

امید است که در آینده نزدیک تلاشهای ما برای ترتیب و تالیف اینگونه کتابها برای کلاسهای دیگر هم به نتیجه برسد.

بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه دهلی

درس اول

آ - ا - ب - پ - ت - د - ر
س - ش - ک - م - ن - ی

آ	آب - آ - ما ب
ا	با - باب - بام
د	داد - د - سد
ر	را - در - ر - بر
و	و - بو - او - دو
ب	ب - بد - بر - با - باب - ببر - تبر
پ	پ - پا - پر - پ - سپر - اسپ
ت	ت - تا - تن - تب - تار - ت - شتر - دست
س	س - سام - مست - داس
ش	ش - شب - شر - شو - شد
ک	ک - کو - کد - کاو - کر - کس
م	مو - ما - بمب - دم
ن	ن - نا - نم - نام
ی	ی - یا - یار - یاد - یک - نیک - سی - کی

واژه های نو:

آ	آب- آدم- آسان- آن- آمد- آمدم
ا	اسب- است- انار
ب	با- بابا- بادام- برادر
ت	تن- تار- ترک
د	داد- دادم- دارا- دارد- دارم- داس- در- دست
س	سیما- ساجد- سبذ- سر
م	مادر- مرد- من
ن	نان- ندارد- نمک

آن مرد است. آن مرد داس دارد. آن مرد اسب دارد.

آن مرد با اسب آمد. آن رام است. رام داس ندارد.

رام اسب ندارد. رام انار دارد. رام بادام دارد.

آن مرد بابا است. بابا دندان ندارد.

آن اشوک است. اشوک دندان دارد.

پوشش :

۱- آن مرد چه دارد؟

۲- آن مرد با چه آمد؟

۳- رام چه دارد؟

۴- رام چه ندارد؟

۵- که دندان دارد؟

۶- که دندان ندارد؟

جمله های زیر را پوشی کنید:

۱- رام با اسب آمد.

۲- اشوک دندان ندارد.

۳- رام انار دارد.

۴- آن مرد با اسب آمد.

۵- آن مرد بابا است.

چه؟ که؟ = کی

چه است = چیست؟ که است = کیست؟

آن آب است. این نان است. آن سبد است.

این سر است. آن دندان است. آن تن است.

اشوک سر دارد. رام دندان دارد.

رام تن دارد. رام دست دارد

آن چیست؟ کی مادر دارد؟

درس دوم

ا این - ایران
ی یاد - یار - یاری
ه هم - هر هما

واژه های نو:

آ آن - آش - آمد - آورد - آوردم

ا این - ایران

ب با - باد - باران

ت تب - تاب - تبر

د داشت - نداشت - دارد - دارم

س سرد - سیب - سیم - سینی

ش شام - شربت - شکر

م ماست - من - مرد - ماشین

ن نام - نبات

و او - وام

درس دوم

ا این - ایران
ی یاد - یار - یاری
ه هم - هرهما

واژه های نو:

آ آن - آش - آمد - آورد - آوردم

ا این - ایران

ب با - باد - باران

ت تب - تاب - تبر

د داشت - نداشت - دارد - دارم

س سرد - سیب - سیم - سینی

ش شام - شربت - شکر

م ماست - من - مرد - ماشین

ن نام - نبات

و او - وام

آن آتش است. این نبات است. آن ماست نیست.
بابا آتش دارد. ساسان نبات دارد. ارم ماست ندارد.
او تب ندارد. تو تب داری. من تب ندارم.
دلشاد داس دارد. او تبر دارد. او نان ندارد،
نبات دارد. ساسان آمد. ساسان با اسب آمد. ارم
با ماشین آمد. که آمد؟ من آمدم.
من با ماشین آمدم. که آتش داشت؟
سارا آتش داشت. ارم ماست داشت.
بابا آب داشت، ماست نداشت. او نان
داشت، آب نداشت. که آب آورد؟
سارا آب آورد. دارا نان آورد.
ارم چه آورد؟ او آب آورد. او ماست آورد.
ماست سرد است. سالم تب دارد. سالم
سر درد دارد. ساجد آمد در را بست.
ساجد نان و آب و آتش و شربت و دوا آورد.
سالم نان و آتش و دوا را برداشت. سالم

آب و شربت را بر نداشت.

من ماشین ندارم ولی دوست من

علی ماشین دارد

تمرین:

الف: پرسشهای زیر را پاسخ دهید:

۱- آن کیست؟

۲- که مادر دارد؟

۳- که برادر دارد؟

۴- که برادر ندارد؟

ب: جمله های زیر را پررشی کنید:

۱- آن اشوک است.

۲- اشوک مادر دارد.

۳- اشوک برادر ندارد.

پ: پرسشهای زیر را پاسخ دهید و سپس منفی کنید:

۱- که تب دارد؟

۲- که آمد در را بست؟

۳- تابان چه آورد؟

۴- سام چه را برداشت؟
این جمله ها را تکمیل کنید:

۱- آن اوشا...

۲- اوشا...

۳- اوشا برادر...

۴- اوشا ... درس داد.

۵- من مادر...

۶- درس ... است.

۷- من برادر...

۸- ... آمد درس داد.

۹- من ... مدرسه آمدم.

۱۰- شما... دادید.

۱۱- امروز هوا... است.

۱۲- برادرم... پتتا آمد.

۱۳- فارسی زبان ... است.

۱۴- اشوک در دانشگاه دهلی ... است.

درس سوّم

ك - ك - كس - ك - مكن - ك - نمك
ل - ل - لب - ل - گل

ب با - بازار - بُرد - برداشت - برداشتم - بست

ك كتاب - كه = كى - كو

ن نمك - نام - ندا

د داد - دادم - دید - دیدم - درد داشت

ناز نان داد. دارا كتاب داد. من كتاب بردم.

احمد انار برد. ساسان انار آورد. من انار آوردم.

احمد با اسب آمد. ناز با ماشین آمد.

من با اسب آمدم، مادر اسب را دید.

دارا نان و كباب آورد. سارا كتاب را آورد.

من ماشین را آوردم. او در را بست. من در را بستم.

سارا کتاب را برداشت. او نان را برداشت.

تمرین :

پرسشهای زیر را پاسخ دهید :

که تبر دارد؟

دارا چه آورد؟

ارم با چه آمد؟

که با اسب آمد؟

احمد چه ندارد؟

من تب ندارم، که تب دارد؟

آدم چشم دارد، او چه ندارد؟

او با ماشین آمد، من با چه آمدم؟

سارا نان نداشت، او چه داشت؟

من نبات داشتم، چه نداشتم؟

او ماست داشت، که نان نداشت؟

این جمله ها را بررسی کنید :

- ۱- ناز سر درد دارد.
- ۲- نادر آمد در را بست.
- ۳- نادر شام و دوا آورد.
- ۴- شاکر آش و دوا را برداشت.
- ۵- شاکر شربت را برنداشت.

این جمله ها را کامل کنید :

- ۱- من آمدم در را...
- ۲- من شام...
- ۳- من شربت را...
- ۴- دارا انار...
- ۵- بابا دندان...

منفی

مثبت

مصدر

نداد- ندادم

داد- دادم

دادن

نداشت- نداشتم

داشت- داشتم

داشتن

بر نداشت بر نداشتم

برداشت برداشتم

برداشتن

بستن بست - بستم نبست - نبستم
داشتن دارد - دارم ندارد - ندارم

این جمله ها را پریشی و سپس منفی کنید :

۱- او داس دارد.

۲- دارا دوا را برداشت.

۳- من اسب دارم.

۴- ما نان را برداشتیم.

۵- ناز شام داد.

۶- شما انار دارید.

درس چهارم

ر - را - ر - سر - اگر - گرم
گ - گام - گوش - گ - گد - گ

واژه های نو:

ا - اکبر - اکرم
گ - گام - گر = اگر - گل - گنگ
ن - نمک - نمکدان - ندا

آن نمکدان است. نمک در نمکدان است.

آن نان است. نان در سبد است.

آن کباب است. اکرم کباب و آش و ماست آورد.

اکبر آب و ماست را برداشت. اکبر کباب را
برنداشت.

اکبر کباب و نان را برداشت. کباب کم نمک است.

این جمله ها را پرشی کنید:

۱- نمک در نمکدان است.

۲- نان در سبد است.

۳- اکرم کباب و آش و ماست آورد.

۴- اکبر آش و ماست را برداشت.

۵- اکرم آش و ماست را برنداشت.

در جمله های زیر بجای اسم، ضمیر «من» بگذارید:

۱- اکبر آش و ماست را برداشت.

۲- اکرم نان و کباب را برداشت.

۳- این مرد اسب دارد.

۴- آن مرد درس داد.

۵- دارا در را بست.

درس پنجم

۱ - او - و - شور - مو - دو

م - مرد - من - م - نمک

واژه های نو:

ا ا ادب

ا او

ب با ادب - با نمک - بود

ت تو

د دوست داشتن - درس - درس دادن

س سامان - سوسن

ش شور - شوربا

ک کار - کار داشتن - کار کردن

آن چیست؟ این چیست؟

سوسن با ادب است.

سوسن با نمک است.

من سوسن را دوست دارم.

آن شوربا است. این نان است.

شوربا شور است. من شوربا را دوست ندارم.

آن مرد کیست؟ آن مرد دربان است.

او با من کار دارد. او با من کار ندارد.

سامان آمد. او با اکبر کار دارد.

سامان درس داد. درس آسان بود.

اکبر درس را دوست دارد. آن سوسن است.

تمرین :

پرسشهای زیر را پاسخ دهید :

۱- آن مرد کیست؟

۲- دربان با کی کار دارد؟

۳- سامان با کی کار دارد؟

۴- کی درس را دوست دارد؟

۵- کی درس داد؟

جمله های زیر را پریشی کنید:

۱- سام با تو کار دارد.

۲- اکبر درس داد.

۳- سارا شوریا را دوست ندارد.

۴- آن مرد با اسب آمد.

۵- نمک در نمکدان است.

۶- اکبر با سام دوست است.

۷- آن مرد با دربان کار دارد.

این جمله ها را کامل کنید:

۱- سامان با... کار دارد.

۲- ... درس داد.

۳- اکبر درس را... را...

۴- شوریا... است.

۵- سوسن... و... است.

۶- ... سوسن را دوست دارم.

با این کلمه ها جمله بسازید:

کار دارد - دوست ندارد - بود - برداشتم

دوست ندارم - چه را - که را - با که - شور

درس نهم

ی	پ	پ
ساری	سیما	ایران

واژه های نو:

آ	آبی
ای	ایران- این
ر	روسری
ت	تو- تبر
س	ساری- سیما
ک	گدام- گو- کی= که

این روسری است. این روسری آبی است.

این ساری است. این ساری سبز است.

سیما ساری دارد. او روسری ندارد.

ایران روسری دارد. او ساری ندارد.

من روسری دارم، تو روسری داری؟
من ساری دارم، تو ساری داری؟
او تبر دارد. من تبر ندارم. تو تبر داری؟
روسری کو؟
ساری کو؟
سیما کو؟
ایران کو؟

پرسشهای زیر را پاسخ دهید:

- ۱- که تبر دارد؟
- ۲- که تبر ندارد؟
- ۳- که ساری دارد؟
- ۴- که ساری ندارد؟
- ۵- که روسری دارد؟
- ۶- که روسری ندارد؟
- ۷- تو روسری داری؟
- ۸- آن ساری را دوست دارم، تو کدام

۹- ساری را دوست داری؟

۱۰- این روسری را دوست دارم، تو کدام

۱۱- روسری را دوست داری؟

با هر یک از این کلمه های پرسشی سه جمله پرسشی
درست کنید:

که؟ چه؟ با که؟ در چه؟ کو؟ کدام؟ کیست؟

درس هفتم

ب	ت	ر	ز	س
برادر	تیر	روز	زن	سام

واژه های نو:

ا ارزان

ب بیش - بزرگ - بردن - باریدن

ت تازه - تازگی - تیره ... تر - ... ترین

ر راست - روشن - روشن کردن

ز زر - زری - زرد - زیبا - زود - زود باش

س سبز - سرد

آن ساری آبی است. آن ساری زیبا است.

این ساری سبز است. این ساری زیباتر از آن ساری است.

آن ساری زیباترین ساری است.

آن ساری زری دارد. آن ساری ارزان نیست.
این ساری زری ندارد.
این ساری ارزان تر از آن ساری است.
این ساری ارزانترین ساری است.
آن ساری راستی زیبا و ارزان است.
من آن ساری را دوست دارم.
آن کوه است. آن کوه بزرگ است.
این کتاب است. این کتاب نو است. آن کتاب کهنه است.

پرسشهای زیر را پاسخ دهید :

- ۱- کدام ساری زیبا است؟
- ۲- کدام ساری زیبا تر است؟
- ۳- زیباترین ساری کدام است؟
- ۴- کدام ساری را بیشتر دوست داری؟
- ۵- کدام ساری را کمتر دوست داری؟
- ۶- کدام ساری ارزان است؟
- ۷- کدام ساری ارزان تر است؟

۸- ارزان ترین ساری کدام است؟

۹- کدام کتاب کهنه است؟

برای هر یک از این کلمه ها دو جمله بسازید:

زرد - سبز - آبی - زیبا - زیباتر - زیباترین

کم - کمتر - کمترین - سرد - سردتر - سردترین

ارزان - ارزانتر - ارزانترین - زود - زودتر - زودترین

زود باش

صفت	...تر	...ترین
سرد	سردتر	سردترین
زیبا	زیباتر	زیباترین
ارزان	ارزان تر	ارزان ترین
کم	کمتر	کمترین
سبز	سبزتر	سبزترین
بیش	بیشتر	بیشترین
روشن	روشنتر	روشنترین

درس هشتم

ا	م	پ	س
استاد	مراد	پری	سوپ

واژه های نو:

آ آرام - آرام آرام - آشپز - آشپزی کردن

ا استاد

ب باز کردن - بازی کردن

پ پر - پری - پس

ت تمام - تمام شدن - تمام کردن - تاب

د درست کردن - دیدن - دویدن

ر رومیزی - روز - روزن

ز زن - زدن - زیرا

س سبزی - سوپ

ش شستن - شب

ک کدبانو - کوکو

م مراد - میز - می پزد - می سازد
ن نه - نیکو

آن مرد کیست؟

آن مرد استاد است. او در کارش استاد است.
او آرام آرام کار می کند. او میز می سازد.
استاد مراد روز و شب کار می کند.
او کارش را دوست دارد.

آن زن کیست؟

آن زن پری است. پری کد بانو است.
پری آشپز است.

این زن کیست؟

این سوسن است. او آش و کباب و کوکو
و سوپ می پزد.

او کوکو را با سبزی می پزد.

سوسن آشپزی را دوست دارد.

درس تمام شد. آن درس آسانتر از این درس بود.

این درس آسانتر از آن درس بود.

این درس راستی آسان بود.

کار	کارم	کارت	کارش
برادر	برادرم	برادرت	برادرش
دست	دستم	دست	دستش

تمرین:

این جمله ها را با ضمیر «تو» و «او» بنویسید:

من با مادرم آمدم. من دستم را شستم.

من کارم را تمام کردم. من نانم را برداشتم.

پرسشهای زیر را پاسخ دهید:

۱- آن مرد کیست؟

۲- سیما آشپزی می کند؟

۳- پس سیما چه کار می کند؟

۴- سوسن دامن می دوزد؟

۵- پس سوسن چه کار می کند؟

۶- تو چه کار می کنی؟

۷- تو کارت را دوست داری؟

۸- برادرت چه کار می کند؟

۹- او کارش را دوست دارد؟

ضمیر مفرد	ضمیر جمع
او	آنها - ایشان
تو	شما
من	ما

زمانهای گذشته = ماضی مطلق

ماضی مطلق = ماده ساده + شناسه

آمدن	بستن
ماده ساده: آمد + شناسه	ماده ساده: بست + شناسه
آمدم	() بستم
من آمدم	() بستم
تو آمدی	() بستى
او آمد	() بست

() بستیم

ما آمدیم

() بستید

شما آمدید

() بستند

ایشان آمدند

برداشتن

کار کردن

() برداشتم

() کار کردم

() برداشتی

() کار کردی

() برداشت

() کار کرد

() برداشتیم

() کار کردیم

() برداشتید

() کار کردید

() برداشتند

() کار کردند

تمرین الف:

این فعلها را در زمان گذشته صرف کنید:

باز کردن - بازی کردن - دیدن - زدن - شستن

تمرین ب:

با توجه به شناسه افعال زیر ضمیر آنها را بنویسید و سپس آنها را منفی کنید:

ضمیر	مثبت	منفی	ضمیر	مثبت	منفی
تو	دادی	ندادی	ما	درست	درست
...	شستند	کردیم	نکردیم
...	دیدید	...
...	بستم	باز کردم	...
...	آمدیم	دیدید	...
...	برداشت	زدند	...
...	آوردی	شست	...

تمرین پ:

جمله های زیر را:

ا- با ضمیر من، تو، او، ما، شما، ایشان بنویسید.

ب- جمله ها را منفی کنید.

ج- برای هر جمله دو پرسش بنویسید.

- ۱- من سبزی را شستم.
- ۲- من در را بستم و کار کردم.
- ۳- من با راشد بازی کردم.
- ۴- من در باز کردم.
- ۵- من با ناز بازی کردم.

درس نهم

ا	س	ه	ه	ه
امروز	پسر	آهنگ	آدینه	اداره
واژه های نو:				
آ	آدینه - آگاه			
ا	اداره - اداری - امروز - امروزی			
ا	اتوبوس - اتوبان			
ب	بازاری - بیمار - بیمارستان - باز - بازداشت			
پ	پسر - پرستار - پرویز			
ت	تاکسی - تند - تند تند			
د	دبستان - دبستانی - دبیرستان - دبیرستانی			
ر	رستوران - روز			
س	سرکار - سینما - سمینار			
ک	کجا - کودک - کودکان - کتاب			
م	مردم - مدرسه - می روند			

کجا؟ به کجا؟ در کجا؟ چه روزی؟

امروز شنبه است.

امروز بازار و مدرسه و اداره باز است.

مردم تند تند سر کار می روند.

آن مرد اداری است. او به اداره می رود.

او در اداره کار می کند.

او با تاکسی به اداره می رود.

آن پرستار است. او در بیمارستان کار می کند.

او با اتوبوس به بیمارستان می رود.

آن مرد بازاری است. او به بازار می رود.

آن پسر دبستانی است. او به دبستان می رود.

دیر شده است. او تند تند می رود.

آن پسر کودکستانی است. اسم او پرویز است.

او با مادرش به کودکستان می رود.

روز کار

دوشنبه و سه‌شنبه و چهارشنبه و پنج‌شنبه

و آدینه و شنبه مردم کار می‌کنند.

روز یک‌شنبه روز کار نیست.

روز یک‌شنبه بازار و مدرسه و اداره بسته است.

کودکان روز یک‌شنبه بازی می‌کنند.

زنان و مردان شب به رستوران و سینما می‌روند.

روز دوشنبه باز اداره و مدرسه و بازار باز می‌شود.

پرسشهای زیر را پاسخ دهید:

۱- شما با چه سرکار می‌روید؟

۲- آن مرد اداری با چه به اداره می‌رود؟

۳- آن پرستار با چه به بیمارستان می‌رود؟

۴- آن پسر به کجا می‌رود؟

۵- پرویز با مادرش به کجا می‌رود؟

۶- آن مرد در کجا کار می‌کند؟

۷- پرستار در کجا کار می‌کند؟

پر سشهای زیر را پاسخ دهید :

- ۱- چه روزی اداره باز است؟
- ۲- چه روزی بازار بسته است؟
- ۳- چه روزی مدرسه باز است؟
- ۴- چه روزی شما سرکار می روید؟
- ۵- چه روزی شما سرکار نمی روید؟
- ۶- کودکان روز یکشنبه را دوست دارند،
- ۷- شما چه روزی را دوست دارید؟
- ۸- امروز چه روزی است؟
- ۹- دیروز چه روزی بود؟

جمله های زیر را پریشی کنید :

- ۱- آن پسر به دبیرستان می رود.
- ۲- پرستار با اتوبوس به بیمارستان می رود.
- ۳- پرویز با مادرش به کودکستان می رود.
- ۴- مردم روز یکشنبه کار نمی کنند.
- ۵- مردم روز سه شنبه سرکار می روند.
- ۶- کودکان روز شنبه را دوست ندارند.

۷- آن مرد به اداره می رود.

۸- دیروز سه شنبه بود.

۹- آن مرد با شما کار دارد.

۱۰- ناز با من کار دارد.

اسم	صفت
امروز	امروزی
اداره	اداری
بازار	بازاری
کاغذ	کاغذی
دبیرستان	دبیرستانی
دبستان	دبستانی
کودکستان	کودکستانی

با هریک از این کلمه ها دو جمله بسازید :

اداره - اداری - دبیرستان - دبیرستانی - دبستان

دبستانی کودکستان - کودکستانی - بازار - بازاری

مفرد	جمع
مرد	مردان
زن	زنان
کودک	کودکان
پرستار	پرستاران
برادر	برادران

این جمله ها را کامل کنید:

- ۱- آن پسر به دبستان می ...
- ۲- آن پسران به دبستان می ...
- ۳- پرستاران در بیمارستان کار می ...
- ۴- آن مرد در اداره کار می ...
- ۵- زنان کودکان را دوست ...
- ۶- کودکان در کودکانستان بازی ...
- ۷- آن کودک بازی نمی ...
- ۸- آن زن با اتوبوس به بازار ...

ضمیر پیوسته	کسره اضافه
کتابم	کتاب من
کتابت	کتاب تو
کتابش	کتاب او
کتابمان	کتاب ما
کتابتان	کتاب شما
کتابشان	کتاب ایشان

این جمله ها را با ضمیر «من، تو، او، ما، شما، ایشان» بنویسید:

۱- ارم مادرش را دوست دارد.

۲- سیما آمد و برادرش را برد.

۳- ناز آمد، مدادش را برداشت و به دوستش داد.

برای هر یک از این کلمه ها دو جمله بسازید :

باز است - بسته است - مردان - کودکان - اداره

اداری - بازار بازاری - امروز - دیروز - سینما

رستوران - تند تند - مردم پرستاران

مثل: " کار را کرد، آن که تمام کرد."

درس دهم

ه	ه	ه	ه
راه	نه	مهمان	هما

واژه های نو:

ا اکنون - احمد - ادب

ا اشتباه - اشتباه کردن

ب بس - بند

ت تازه - تربیت - تشنه - تشنه بودن - تراویدن

د داستان - داور

ر راه - راست - راشد - رامین - رام

رام کردن

س سیر - سیب

ک کوزه - گاه

گ گاهی - گرسنه - گام - گردش

م ماشین نویس - ماشین کردن - مدیر - مزه

مهمان

ن نامه - نه

ه - ها - هر - هستند - همیشه - همان - هوش هم
همکار

و وزارت - وزارت کار - وزارت آموزش

هما و ارشد با هم دوست هستند.

آنها همیشه با هم به سینما و مهمانی می روند.

هما و ارشد تازه دبیرستان را تمام کرده اند.

ایشان اکنون در وزارت ارشاد کار می کنند.

آنها با هم همکار هستند.

ارشاد منشی و هما ماشین نویس است.

ارشاد و هما هر روز با تاکسی به اداره می روند.

هما دیروز نه نامه ماشین کرد.

او نامه ها را بی اشتباه ماشین کرد.

هما نه نامه را به مدیر داد.

رامین در وزارت کار دبیر است.

او هر روز به وزارت می رود.

پرسشهای زیر را پاسخ دهید :

- ۱- هما با که دوست است؟
- ۲- هما و ارشد همیشه به کجا می روند؟
- ۳- ایشان با چه به اداره می روند؟
- ۴- هما و ارشد در کجا کار می کنند؟
- ۵- هما با که همکار است؟
- ۶- ارشد و هما کی دبیرستان را تمام کرده اند؟
- ۷- شما کی دبیرستان را تمام کرده اید؟
- ۸- شما هر روز به اداره می روید؟
- ۹- شما هر شب به سینما می روید؟
- ۱۰- شما با چه به اداره می روید؟
- ۱۱- شما ماشین نویس هستید؟
- ۱۲- شما منشی هستید؟
- ۱۳- شما مدیر هستید؟
- ۱۴- شما در کجا کار می کنید؟
- ۱۵- او در کدام وزارت دبیر است؟

گذشته	حال	حال
(مثبت)	(مثبت)	(مثبت)
بود	هست	باش
من بودم	هستم	می باشم
تو بودی	هستی	می باشی
او بود	هست	می باشد
ما بودیم	هستیم	می باشیم
شما بودید	هستید	می باشید
ایشان بودند	هستند	می باشند

گذشته	حال	حال
(منفی)	(منفی)	(منفی)
من نبودم	من نیستم	نمی باشم
تو نبودی	تو نیستی	نمی باشی
او نبود	او نیست	نمی باشد
ما نبودیم	ما نیستیم	نمی باشیم
شما نبودید	شما نیستید	نمی باشید
ایشان نبودند	ایشان نیستند	نمی باشند

افعال زیر را در گذشته و حال صرف کنید :
تشنه بودن - سیر بودن - بیمار بودن - گرسنه بودن

مفرد و جمع:

مفرد	جمع با (ها)	جمع با (ان)
زن	زنها	زنان
پسر	پسرها	پسران
مرد	مردها	مردان

درس یازدهم

واژه های نو:

آ آخر - آبان - آذر - آموزش

آ آنبه

ب برابر - بلند - بارندگی - بهمن

ت تابستان

خ خرداد

د دی

ر رفته رفته - رویم

س سال کیسه - سردیر

ش شهریور - شیر

ف فصل - فارسی - فربه

ک کوتاه - کتک - کمزور

گ گرمسیر

م مرداد

ه همه

ی یار - یاد - یازده

فصلهای سال

در کشور ایران سال از نخستین روز فصل بهار آغاز می شود. در این روز، روز و شب با هم برابر است. از آغاز فصل بهار رفته رفته روزها بلندتر می شود. آخرین روز فصل بهار از همه روزهای سال بلند تر و آخرین شب بهار از همه شبهای سال کوتاه تر است. در فصل بهار هوا ملایم است و باران فراوان می بارد.

اسم ماههای فصل بهار فروردین و اردیبهشت و خرداد است. از آغاز تابستان روزها رفته رفته کوتاه تر و شبها بلند تر می شود. در فصل تابستان در بیشتر جاهای ایران هوا بسیار گرم است و بارندگی کم می شود.

اسم ماههای فصل تابستان تیر و مرداد و شهریور است. ماههای فصل بهار و تابستان هر یک سی و یک روز است. در نخستین روز فصل پاییز نیز رفته رفته روزها کوتاهتر می شود. آخرین شب پاییز از همه شبهای سال بلند تر است. به این شب، شب یلدا می گویند. ایرانیها شب یلدا را جشن می گیرند.

اسم ماههای فصل پاییز مهر و آبان و آذر است. ماههای فصل پاییز هر یک سی روز است. از آغاز فصل زمستان رفته رفته روزها بلندتر و شبها کوتاه تر می شود. اسم ماههای فصل زمستان دی و بهمن و اسفند است. ماههای دی و بهمن هر یک سی روز و ماه اسفند بیست و نه روز است. هر چهار سال یک بار ماه اسفند سی روز می شود. به چنین سالی سال کیسه می گویند.

تمرین:

زیبا است = زیباست

خوشبو است = خوشبوست

نکو است = ...

پیدا است = ...

پرسشهای زیر را پاسخ دهید:

۱- یک سال چند فصل دارد؟

۲- اسم فصلهای سال چیست؟

۳- اسم ماههای سال چیست؟

۴- در کدام فصل هوا از همیشه گرمتر است؟

۵- سردترین فصل سال کدام است؟

۶- کدام روز از همه روزهای سال بلندتر است؟

۷- بلندترین شب سال کدام است و اسم آن

چیست؟

۸- در چه روزهایی از سال شب و روز با هم برابر

می شوند؟

۹- در کدام فصلها رفته رفته روزها بلند تر می شود؟
۱۰- در کدام فصلها رفته رفته شبها بلندتر می شود؟
۱۱- در کشور شما در کدام فصل بارندگی بیشتر است؟

۱۲- سال نو در کشور شما از چه روزی آغاز می شود؟

۱۳- کشور شما سردسیر است یا گرمسیر؟

گذار

گذاشت

تمرین ب :

فعل گذاشتن را در زمان گذشته و حال و در وجه مضارع التزامی صرف کنید.

تمرین ج :

برای هر یک از این کلمه ها یک جمله بسازید:
آغاز می شود- باز گردید- پیروز شدند- شکست داد- بروند گرد می آیند- بیاوریم- از این پس

پایتخت - شخص - سراسر کشور - بخرم - گرانبها
 قدیم - مخصوص - نماینده.

جمع کلمه هایی که به کسره ختم می شود. با «ان»

مفرد	جمع	مفرد	جمع
ستاره	ستارگان	تشنه	...
نماینده	نمایندگان	خسته	...
دایه	دایگان	گرسنه	...
گوینده
شنونده	...	نویسنده	...
جوینده	...	خواننده	...

فعل امر:

امر مثبت فعلهای ساده = ب + ماده مضارع + شناسه

امر منفی فعلهای ساده = ن + ماده مضارع + شناسه

هما زیبا و باهوش است.

این کودک با ادب است.

این داستان بی مزه است.

این پسر بی ادب است. سیما بی هوش نیست.

برای هر یک از این کلمه ها دو جمله بسازید:
با ادب - با هوش - با نمک - با مزه - بی مزه
مثل:

”از کوزه همان برون تراود که در اوست“

درس دوازدهم

خ خ ف ف ی ی
خانه یخ فردا برف یخ دی

واژه های نو:

آ	آب شدن - آیا
ا	اسب - سواری
ا	امید
ای	ایشان - ایران - ایمان
ا	اسکی - اسفند - استخر
ب	باریدن - برف - بسیار - بسی - بخاری
پ	پرواز - پریروز - پس پریروز - پس فردا
ت	تابستان - تابستانی - تنیس - تالار - تند
خ	خانه - خسته شدن - خوب - خیلی
د	دسته دسته - دشت - درخت - دریا - دی
ر	رفته رفته
ز	زمستانی - زمستان - زدن - زانو

س سبز شدن - سفید - سپید - سیاه - سیه

ش شنا کردن

ک کوه - کمان - کور - کشور

گ گفتن - گلستان - گوش - گوشه

ف فردا

ن نوشتن - نا امید

و ورزش - ورزش کردن

ه هوا - هند - هنر - هندی

ی یخ - یک - یکشنبه - یاد - یادداشت

زمستان و تابستان

زمستان سه ماه است : دی - بهمن - اسفند

در زمستان هوا سرد می شود و برف می بارد.

خانه ها و درختها و کوهها از برف سفید می شوند.

هوا خیلی سرد می شود و آبها یخ می بندد.

مردم درها را می بندند و بخاری روشن می کنند.

در تابستان برفها رفته رفته آب می شود.

دشتها سبز میشوند و مردم در استخر و دریا شنا می
کنند.

کودکان شنا را بسیار دوست دارند و از شنا خسته
نمی شوند.

شنا ورزش تابستانی است.

با این کلمه ها جمله بسازید:

زمستان - زمستانی - تابستان - تابستانی - خسته شدن

رفته رفته دسته دسته - تند تند - آرام آرام - تنیس

بازی کردیم - بیشتر از کمتر از

امروز شنبه است.

دیروز آدینه بود.

پریروز پنج شنبه بود.

پس پریروز چهار شنبه بود.

فردا یکشنبه است.

پس فردا دوشنبه است.

پسین فردا سه شنبه است.

امروز دوشنبه است.

بنویسید که دیروز، پس پریروز، چه روزی بود
و فردا، پس فردا،

پسین فردا، چه روزی است.

با استفاده از ماضی و ماده مضارع افعال زیر را در
زمان گذشته و حال صرف کنید

مصدر ماده ماضی ماده مضارع

دوختن دوخت دوز

زدن زد زن

نوشتن نوشت نویس

آوردن آورد آور

آمدن آمد آ(ی)

بستن بست بند

درس سیزدهم

گ گ ل ل
گل برگ لاله گل

واژه های نو:

آ آراستن - آرزو - آرزو داشتن - آموزگار آلو

الآن

ا ابرو - اهل - اگر = گر = از

ای ایرانی - این - ایشان - انها

ب بابونه - برگ - بوسیده - بزرگ - بهار - بستنی

پ پر - پنهان - پنهانی

ت تازه - ترش - تلخ

د دبیر - دریا - درباره - دختر - دفتر - دیشب - دمن

ر رنگ - رنگارنگ - ریسمان - رسیدن

ز = از - زرد - زن - زنگ

س سبزه - سبزه گره زدن - سیب - سیزده بدر

ش شانه - شاگرد - شکوفه - شیرین

ف	فراوان - فرستادن
ک	کاهو - کمان - کمانی - کی - کنون
گ	گردش - گره زدن - گرم - گل - گلابی
ل	لاله - لباس
م	مشتري - میوه - می - مار
ن	نوروز - نی
ه	هزار - هنگام

بهار

بهار هنگام گل و سبزه است. درختها برگ می دهد و شکوفه می کند. دامن دشت پر از لاله می شود. هزاران گل رنگارنگ دشت را می آراید. ایرانیها اهل گردش هستند. همیشه در هنگام گل و سبزه به دشت و دمن می روند. سیزده نوروز روز شادی و گردش است. ایرانیها همه از شهر بیرون می روند. کودکان بازی می کنند و دخترها با آرزوی بسیار سبزه گره می زنند.

گل‌های بابونه مشتری‌ی فراوان دارند و بازار
شان گرم است. دخترها پنهانی از گل بابونه می
پرسند: دوستم دارد، ندارد، دارد، ندارد.....

کسره اضافه :

خانه	خانه سیمای
میوه	میوه پری
خانه	خانه خوب
میوه	میوه خوب

تمرین الف:

یک کتاب	سه کتاب خوب
کتابهای خوب	
یک پسر بزرگ	دو پسر بزرگ
پسرهای بزرگ	

یک مرد = مردی یک زن = زنی

یک دختر خوب = دختر خوبی

یک پسر بزرگ = پسر بزرگی

یک خانه نو = خانه ای نوی

یک کوزه آب = کوزه ای آب

تمرین ب:

جمله هایی بنویسید که در آنها کلمه های زیر یک

بار مضاف الیه و یک بار موصوف باشد:

شانه - کوزه - کاهو - آلو - بستنی - دریا - گل اداره

گلابی نامه - برگها - درختها - مردان - مردها

پرستاران - پرستارها دبیرستان

تمرین پ:

برای هر یک از این کلمه های زیر یک جمله

بنویسید:

یک - شش - هفت - آموزگاری - دبیر خوبی

شاگردان

فعل مضارع:

این جمله ها را در زمان حال بنویسید:

من دیروز از خانه به اداره رفتم و با مدیر اداره

گفتگو کردم.

ما الآن...

من الآن...

من دیشب کارم را تمام کردم و با دوستم به سینما
رفتم.

من الآن...

ما الآن...

برای:

برای من = برایم

برای تو = برای

درس چهاردهم

ق	ف	ج	ج
قایق	سقف	کاج	جوی

واژه های نو:

آ	آباد - آباد باد - آموختن
ا	امشب - استفاده - استفاده کردن
ب	برو بوم - بو - بوستان - برنج - بهشت
پ	پوشیدن - پوشیده شده است
ت	تور - تور انداختن
ج	جا - جوی - جنگل - جویبار
خ	خاویار - خوراک - خزر - خواندن خوابیدن
د	دیوار - دور - دوره - دوره داشتن
ر	رود - رودخانه - روان - روزگار - رویدن
ز	زبان
س	سقف

ش شاد گشتن - شکار - شکار کردن

شکاری - شمال

گ گلاب

ف فردوسی

ل لب - لقمان

م مازندران - ماهی - مشهور - ملایم

ن نیز - نگار - نوازنده

ه هوا پیما - هم این - همین

ی یاد - (به) یاد بودن - یاد بود

مازندران

اینجا مازندران است. مازندران در شمال ایران است. در مازندران تمام کوهها از درختهای کاج و شمشاد و توسکا پوشیده شده است و دامنه کوهها را جنگل فرا گرفته است. هوای مازندران ملایم است و در آنجا باران بسیار می بارد.

خوراک مردم مازندران بیشتر برنج و ماهی است.
مردم مازندران از دریای خزر ماهی می گیرند.
ماهی گیران با قایق به دریا می روند. تور می اندازند
و ماهی شکار می کنند. خاویار ماهی های دریای
مازندران مشهور است. مازندران بهشت ایران است.
در بهار همه جا پر از گل و شکوفه می شود. در
سقف خانه ها و روی بام و دیوارها نیز گل می
روید.

فردوسی در شاهنامه از زبان نوازنده رود می گوید:

که مازندران شهر ما یاد باد

همیشه بر و بومش آباد باد

که در بوستانش همیشه گل است

به کوه اندرون لاله و سنبل است

هوا خوشگوار و زمین پر نگار

نه گرم و نه سرد و همیشه بهار

گلاب است گویی بجویش روان
همی شاد گردد ز بویش روان
همه سال خندان لب جویبار
به هر جای باز شکاری به کار

«فردوسی»

جمله های زیر را اول با استفاده از کلمه های
پرسشی کامل کنید

و سپس جواب آنها را بنویسید:

- ۱- مازندران در ... ایران است؟
- ۲- هوای ... ملایم است؟
- ۳- کوههای مازندران از ... پوشیده شده
است؟
- ۴- ماهیگیران با ... به دریا می روند
و ... شکار می کنند؟
- ۵- ... مازندران را بسیار دوست می داشت؟

زمان آینده از مضارع :

(گذشته) من دیشب به سینما رفتم.

(حال) من (دارم) به سینما می روم.

(همین الآن) من (الآن) به سینما می روم.

(آینده) من امشب به سینما می روم.

تمرین الف:

این جمله‌ها را با فعل «نوشتن» کامل کنید:

من الآن نامه ...

پری دیروز نامه ...

هما امشب نامه ...

ما پریروز نامه ...

من فردا نامه ...

تمرین ب:

این جمله‌ها را با فعل «رفتن» کامل کنید:

دختران بزرگ به ...

مهین فردا به اداره ...

هما و مهین دیروز به اداره... .

من الآن به دبستان... .

برادرم امشب به رستوران... .

تمرین پ:

با هر یک از این کلمه ها دو جمله بسازید:

امروز - امشب - دیروز - دیشب - پریروز - از خانه به

مدرسه از کوه - در دبستان - با تاکسی - با ترن - با

هوایما

مثل:

”لقمان را گفتند: ادب از کی آموختی؟“

گفت: از بی ادبان“

درس پانزدهم

چ	چ	خواب
چای	هیچ	خواب
واژه های نو:		
ا	استکان	
ا	اردیبهشت	
آ	آرایشگاه - آقا - آماده - آمریکا	
ب	بسته بندی کردن - به زودی - بوته - بُرهان	
پ	پاییز - پسندیدن	
ت	تازه دم - تاریک - تشنه	
ج	جای چیزی را گرفتن	
چ	چای - چیز - چیدن - چند - چنین - چنان	
د	دانشگاه - دیگر - دم کردن	
ک	کارخانه - کارگر - کشور	
ف	فروختن	
ق	قهوه	

م	ماه - مدام - ماندن
ن	ناگهان
ه	هیچ - هرگز - هفته
و	وقت - وقتی

چایکاری

مردم شمال ایران چایکاری می کنند. بوته چای در پاییز گل می دهد. گل چای سفید است. برگ چای در اردیبهشت ماه آماده چیدن می شود. زنهای کارگر برگ های چای را می چینند و به کارخانه می برند. در کارخانه چای را خشک و بسته بندی می کنند.

ایرانیها اهل چای هستند و هر روز چند استکان چای می خورند.

چای تازه دم بسیار خوب است. وقتیکه آدم خسته است هیچ چیز جای یک استکان چای خوب را نمی‌گیرد.

تمرین الف:

این جمله ها را با گذاشتن کلمات پرسشی

پر کنید و سپس جواب آنها را بنویسید:

- ۱- در ... ایران چایکاری می کنند؟
- ۲- چای ... رنگی است؟
- ۳- ... در اردیبهشت ماه آماده چیدن می شود؟
- ۴- زن های کارگر برگ چای را ...
و به ... می برند؟
- ۵- کارخانه چای را ...؟
- ۶- ... اهل چای هستند؟
- ۷- ... اهل قهوه هستند؟

تمرین ب:

این جمله ها را کامل کنید:

۱- وقتیکه آدم تشنه است هیچ چیز جای ...

نمی گیرد.

۲- وقتیکه آدم گرسنه است ...

۳- وقتیکه آدم خسته است ...

۴- وقتیکه آدم از کوه بر می گردد ...

فعل مضارع: حال - آینده

من دارم لباس می پوشم.

تو داری چه کار می کنی؟

که دارد می آید؟

ما داریم شام می خوریم.

شما دارید چه کار می کنید؟

کارگران دارند سر کار می روند.

الآن میگویم.

نرو، همین الآن می آید.

اینجا باش، هم اکنون می آورند.
ما فردا به مسافرت می رویم.
برادرم فردا شب از سفر می آید.
امشب تو چه کار می کنی؟
من سال دیگر به دانشگاه می روم.
هفته دیگر کارش تمام می شود.
دو روز دیگر پیش تو می آیم.
ماه آینده مدرسه باز می شود.
سال آینده درسم تمام می شود.
به زودی این سینما باز می شود.
مهین هر روز دیر به دبستان می آید.
ایشان هر شب در رستوران شام می خورند.
هر سال در مدرسه جشن می گیرند.
همیشه در زمستان جشن می گیرند.
همیشه در زمستان برف می بارد.
هرگز او چنین کاری نمی کند.

هیچ وقت پری سیگار نمی کشد.
آموزگار گاه بگاه شاگردان را به موزه می برد.
گاهی ما با هم به گردش می رویم.
او مدام از روزگار گله می کند.
آنها روزهای شنبه برنامه گردش دارند.

تمرین الف: برای هر یک از این کلمه ها یک جمله
بنویسید:

همیشه - هرگز - هم اکنون - هیچوقت

هر روز - هیچ روزی

هفته آینده - سال دیگر - گاهی - الآن

بزودی دیشب

تمرین ب: با توجه به ماده ماضی و ماده مضارع، فعلهای
زیر را به صورت مثبت و منفی صرف کنید:

مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
شکار کردن	شکار کرد	شکار کن
فروختن	فروخت	فروش
گفتن	گفت	گوی

شنیدن	شنید	شنو
خسته شدن	خسته شد	خسته شو
پوشیدن	پوشید	پوش
خواندن	خواند	خوان

خواند - خوان - خوابید - خواب - خواست - خواه
 فعلهای بالا را با توجه به ماده ماضی و مضارع آن در
 زمان گذشته و حال حاضر صرف کنید :

زمان مستقبل

فعل مستقبل = ماده مضارع خواستن
 = (خواه + شناسه + ماده ماضی)

مثال :

خواهیم رفت	خواهم رفت
خواهید رفت	خواهی رفت
خواهند رفت	خواهد رفت

فعل گفتن را در زمان مستقبل صرف کنید
 تمرین :

پنج جمله برای «خواهش کردن» بنویسید.

جمله های زیر را با "برای که" پرشی کنید:

دیروز برایم نامه ای از دوستم رسید.

دلم برایت تنگ شده است.

این کار برایش خوب نیست.

او همه کارها را برایمان روبراه کرد.

این ورزش برایتان خیلی خوب است.

دیروز برایشان کتاب فرستادم.

این آش را برای تو پختم باید بخوری.

این گل را برای شما فرستاده اند باید بگیرید.

این کار را برای تو کرده است باید ممنون باشی.

تنها برای تو دلم تنگ شده است.

جمله های زیر را با "برای چه" پرشی کنید:

برای دیدن او به بیمارستان رفتم.

برای فرستادن نامه به پستخانه رفتیم.

برای خریدن کتاب به بازار رفتند.

برای شنیدن خبر آمده است.

برای دیدن این فیلم به سینما می روید.

پرسشهای زیر را پاسخ دهید :

شما برای چه دیروز به بازار رفتید؟

ما برای چه آمدیم؟

او برای که این کتاب را می فرستد؟

آنها برای که نامه می نویسند؟

تمرین الف :

با «برای» شش جمله خبری و شش

جمله پرسشی بنویسید.

تمرین ب :

برای هر یک از جمله های زیر

دو جمله پرسشی بنویسید:

۱- پری دیشب به سینما رفت.

۲- من با دوستم روز آدینه به گردش رفتم.

۳- دختران روز سیزده بدر سبزه گره می زنند.

۴- ایرانیها هنگام بهار به گردش می روند.

۵- شاگردان روز شنبه به مدرسه می روند.

۶- پسران بزرگ به دبیرستان می روند.

۷- یکشنبه روز تعطیل است.

۸- اشوک در کلاس مردود شد.

۹- هند کشور قدیمی است.

۱۰- دانشگاه ما خیلی بزرگ است.

درس شانزدهم

ژ ع ع ع غ غ غ
ویژه - عام - بعد - جمع - غروب
مشغول - فروغ

واژه های نو:

آ آگهی - آرامش - آسودن - آسمان

ا اخبار - اندرون - انگشت

ا استخدام

ب برخی - بیکار

پ پیدا بودن

ج جالب - جواب - جوینده - جهان

چ چاپ - چندین

خ خارجی - خبر - خوانند

د داخلی - دشوار - دل - دنیا

ر روزنامه - رویداد

س سال - سالنامه - ستون

ش	شامل - شهر - شاخه
ع	عطر - عطار - عام - عمر - عبادت - عمارت
غ	غالب - غالب شدن - غروب - غم - غمخوار
ق	قسمت - قلم
ک	کوشش - کوشش کردن - کاستی - کژی
م	ماهنامه - مقاله - مقالات
و	ویژه - واژه
ه	هفتگی - هفته - هزار - هیزم

روزنامه

در شهرهای بزرگ همه روزه چندین روزنامه چاپ می شود. در روزنامه ها درباره رویدادهای کشور و جهان گفتگو می شود. برخی از مقالات، درباره خبرهای داخلی و برخی مقالات، درباره اخبار خارجی است.

یک قسمت از روزنامه ویژه اخبار ورزشی
است. اخبار ورزشی بویژه در بین جوانان خواننده
بسیار دارد. خواننده ستون آگهی های استخدای
جویندگان کار و خوانندگان ستون «تازه چه خبر»
بیکاران هستند.

برخی از روزنامه ها به شکل هفتگی نیز چاپ می
شود. ماهنامه ماهی یک بار چاپ می شود. سالنامه
سالی یک بار چاپ می شود. سالنامه شامل
رویدادهای جالب سال است.

جمله های زیر را کامل کنید:

- ۱- من هر روز روزنامه ...
- ۲- من در روزنامه ها بیشتر اخبار ... و ... را می
خوانم.

۳- ... هر روز چاپ می شود.

۴- ... هر سال چاپ می شود.

پرسشهای زیر را پاسخ دهید:

- ۱- امروز خبر جالب داخلی چیست؟
- ۲- امروز خبر جالب خارجی چیست؟
- ۳- شما چه روزنامه ای را می خوانید؟
- ۴- شما در روزنامه بیشتر کدام مقاله را می خوانید؟

جمله های زیر را در زمان آینده و با استفاده

از فعل خواستن بنویسید:

- ۱- دیشب ناگهان هوا سرد شد و باران بارید.
- ۲- روز آدینه به آرایشگاه رفتم و مو را کوتاه کردم.
- ۳- دیروز باد تندی وزید و درختها را شکست.
- ۴- دوستم دیروز به منزل ما آمد و با هم به گردش رفتیم.

درس هفدهم

ص ص ذ
مخصوص صبح گذاشتن

واژه های نو:

آ	آغاز شدن - آویختن
ا	از آن پس - اندیشه - امید - انگشت
ب	برگزار شدن - بزرگان - به نیایش پرداختن باز گشتن به خدمت رسیدن - بدین ترتیب باز مانده - بماند - بچه
پ	پالتو - پیروز شدن - پیروزی - پادشاه
ت	تاریک - تبریک گفتن - تخت - تاج - تشنه
ج	جامه - جشن گرفتن - جشن برپا کردن جشن برپا شدن - جمشید - جنگ
چ	چنین - چند - چرا
خ	خسرو - خسته - خدمت

د	درباره - دیوان - در این هنگام - دایه
ر.	رسم - روزگار - راستی
ز	زمان - زندگی - زن
س	ساختن - سراسر کشور - ستاره
ش	شاد باش گفتن - شکست دادن - شخص
ص	صادر - صبح - صدر - صرف - خاص
غ	غنیمت آوردن
ف	فروردین - فرمان - فرخ
ق	قدم - قدیم
گ	گاو - گرانبها - گوهر - گذاشتن - گوینده
	گردآمدن
م	مخصوص - مبارک - مراسم - منش
ن	نوروز - نشستن - نیایش - نماینده
	نویسنده - نمایندگان
ی	یادگار - یادی - یار

جشن نوروز

جشن نوروز از زمانهای بسیار قدیم در ایران برپا می شده است و در باره آن داستانها گفته اند. این جشن را نوروز می نامند، زیرا سال با آن آغاز می شود.

گویند که جمشید در این روز بر گاوی نشست و به جنگ دیوان رفت و آنها را شکست داد و روز ششم فروردین با پیروزی ی تمام باز گشت و زر بسیار غنیمت آورد. به فرمان جمشید از آن زر و گوهر تختی ساختند.

از آن پس پادشاهان ایران هر سال این روز را جشن می گرفتند. شاه در این روز جامه ای گرانبها می پوشید، گوهرهای گرانبها بر خود می آویخت و تاج بر سر می گذاشت و بر تخت مخصوص می نشست.

در این هنگام شخصی که قدم او مبارک می
دانستند ، به خدمت شاه می رسید و سال نور را
تبریک می گفت و به نیایش می پرداخت.
"منش بد شکست بیابد. دروغ شکست بیابد.
راستی بر آن پیروز شود"

بدین ترتیب مراسم جشن نخستین روز سال آغاز
می گشت. یکی از مراسم نوروز آن بود که بزرگان
و نمایندگان که از سراسر کشور در پایتخت گرد
آمده بودند ، به خدمت شاه می رسیدند و شادباش
می گفتند. مراسم سلام نوروز اکنون نیز برگزار می
شود.

گذاشتن

ماده مضارع

گذار

ماده ماضی

گذاشت

تمرین الف : فعل گذاشتن را در زمان گذشته، حال و
در وجه مضارع التزامی صرف کنید.

تمرین ب: برای هر یک از این کلمه های یک جمله بسازید:

آغاز می شود - باز گردید - پیروز شدند
بروند - گرد می آیند - بیاوریم - از این پس
شخص - سراسر کشور - بخرم - گرانبها
قدیم - مخصوص نماینده
یک مرد میهن پرست ...
یک جوان شجاع ...

درس هجدهم

غ غ غ غ
غروب مشغول ستیغ فروغ

واژه های نو:

آ	آرامش - آسودن - آسمان آغاز شدن
ا	اندیشه - انگشت - اندازه - اندرز
ا	امید
ب	بامداد - بامدادان - برآمدن
پ	پشت - پس - پیروز - پرنده - پند
ت	تاییدن - تلفن کردن - تنها - تکمه
ج	جلب - جز - جوراب - جلد - جلو
چ	چراغ - چشم - چشمه - چند - چهار
خ	خورشید - خاریدن - خاراندن
د	دشوار - دشواری - دل - دریا - دوست
س	ستیغ - سکوت - سام - ساکت شدن
ش	شاید - شنیدن - شمس - شیراز - شهر

غ	غالب شدن - غوغا - غروب - غم
ف	فرورفتن - فرسوده - فروغ
م	مشرق - مغرب - مشغول شدن
ن	نور - ناتمام
ی	یاد گرفتن

فردوسی

فردوسی یکی از شاعران بزرگ ایران است که در هزار سال پیش می زیسته است. فردوسی در طوس نزدیک مشهد به دنیا آمد و در همانجا زندگی کرد. آرامگاهش نیز در طوس است. کسانی که برای زیارت به مشهد می روند از آرامگاه این شاعر بزرگ دیدن می کنند.

فردوسی مردی میهن پرست بود و به تاریخ ایران علاقه داشت. او داستانهای شاهان و پهلوانان قدیم ایران را به شعر در آورد و در کتابی جمع

کرد. همه ایرانیان این کتاب را می شناسند و می خوانند. اسم این کتاب شاهنامه است. شاهنامه داستانهای زیبایی دارد. مانند داستان "رستم و سهراب" و "زال و رودابه".

فردوسی با سرودن شاهنامه خدمت بزرگی به ایران کرده است. این است که همه ایرانیان فردوسی را دوست دارند و بر او آفرین می گویند. فردوسی خود گفته است:

بسی رنج بردم در این سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی
نمیرم از این پس که من زنده ام
که تخم سخن را پراکنده ام
هر آنکس که دارد هش و رای و دین
پس از مرگ بر من کند آفرین

یای وحدت

یک دختر خوب = دختری خوب = دختر خوبی

یک خدمت بزرگ - خدمت بزرگی ...

یک مرد میهن پرست ...

یک جوان شجاع ...

تمرین: هریک از عبارتهای بالا را در جمله

به کار ببرید.

خود

ما خودمان گفتیم

شما خودتان گفتید

ایشان خودشان گفتند

من خودم گفتم

تو خودت گفتی

او خودش گفت

ما خود گفتیم

شما خود گفتید

ایشان خود گفتند

من خود گفتم

تو خود گفتی

او خود گفت

تمرین الف :

این فعلها را درسه زمان گذشته و حال و آینده و همچنین به وجه التزامی و امری صرف کنید:
و داع کردن - جمع کردن - زیارت کردن
خواندن - شکست دادن - نشستن

تمرین ب :

برای درس فردوسی ده جمله پرسشی با کلمه های پرسشی زیر بسازید:
که - کی - کجا - چطور - چه - چه کار
از کی - از چه رو چرا - به چه سبب

تمرین ج :

این جمله را باضمیر تو، او، ما، شما، ایشان بنویسید:
من سهم خودم را به برادرم می دهم.

تمرین د :

فردوسی را چگونه شاعری می دانید؟

مثل : "میازار موری که دانه کش است

که جان دارد و جان شیرین خوش است."

ترتیب الفبای فارسی

A	الف	آ ا	
B	ب	ب	
P	پ	پ	
T	ت	ت	
S	ث	ث	
J	جیم	ج	ج
Ch	چ	چ	چ
H	ح	ح	ح
Kh	خ	خ	خ
D	دال	د	د
Z	ذال	ذ	ذ
R	ر	ر	ر
Z	ز	ز	ز
Zh	ژ	ژ	ژ
S	سین	س	س
Sh	شین	ش	ش
S	صاد	ص	ص
Z	ضاد	ض	ض
T	طا	ط	ط
Z	ظا	ظ	ظ

Nasal sound of "a"	عین	ع ع ع ع
Gh	غین	غ غ غ غ
F	ف	ف ف ف ف
Gh	قاف	ق ق ق ق
K	کاف	ک ک ک ک
G	گاف	گ گ گ گ
L	لام	ل ل ل ل
M	میم	م م م م
N	نون	ن ن ن ن
v/w/o	واو	و و و و
h	ه	ه ه ه ه
Y	ی	ی ی ی ی

واکه های کوتاه و کشیده و کشیده (Short and long Vowels)

تلفظ صدا Pronunciation of the sound	نام و صدا Name of sound	نشانه صدا Written symbol of the sound
A	آلف	آ ا
A	زیر، فتحه	آ -
E	زیر، کسره	ا - ه ه
O	پیش، ضمه	ا - و
U	واو	او و
Ow	واو	او - و
I	ی	ای ی ی
ey	ی	ای - ی - ی

